

توکل بر خدا؛ پایان هراس، آغاز آرامش

ابراهیمی | آیه ۵۱ سوره مبارک توبه از زیباترین آیاتی است که انسان را به آرامش، استقامت و توکل فرامی خواند: «قُلْ لَنْ يُغْنِيَكَ الْإِثْمُ كَثْرَتُهُ وَلَا تَنُفَعُكَ تَعَدُّهُ» وَاعْلَى اللَّهُ فَلَيتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ؛ بگو هرگز چیزی جز آنچه خدا برای ما مقرر کرده است، به ما نمی‌رسد؛ او سرپرست ماست و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند.» در این آیه شریف، نکات عمیق و راهگشایی نهفته است. نخست آنکه انسان مؤمن، مأمور به انجام تکلیف است. نه ضامن نتیجه. وظیفه ما حرکت در مسیر حق، تلاش، مجاهدت و انجام مسئولیت است اما سرانجام کار و نتیجه نهایی در اختیار خداوند متعال است. این حقیقت، بار سنگین اضطراب را از دوش انسان برمی دارد و به او یادآوری می‌کند که همه چیز به اراده و حکمت الهی گره خورده است: «إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا» نکته دیگر آن است که مقدرات انسان به دست خداوند رقم می‌خورد و آنچه او برای بنده مؤمن مقدر می‌کند، برپایه خبر و مصلحت است. خداوند، مولی و سرپرست بندگان خویش است و هرگز برای بنده‌اش جز خیر نمی‌خواهد، از همین رو انسان مؤمن در حوادث زندگی، خود را تنها و بی‌پناه نمی‌بیند، بلکه همواره در پناه ولایت و تدبیر الهی، احساس امنیت می‌کند: «هُوَ مَوْلَانَا».

پایان آیه نیز بر اصلی‌ترین پشتوانه روحی مؤمن، تأکید می‌کند: «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» یعنی تکیه‌گاه حقیقی فقط خداست و نشانه ایمان راستین، توکل بر اوست. توکل، انسان را از ترس‌ها، دل‌بستگی‌ها و نگرانی‌های فلج‌کننده رها می‌سازد و به او شجاعت قدم برداشتن در مسیر حق می‌بخشد.

تاریخ پیامبران نیز گواه همین حقیقت است. چاقو، حضرت اسماعیل ^(ع) را نکشت، آتش، حضرت ابراهیم ^(ع) را نسوزاند، نهنگ، حضرت یونس ^(ع) را از میان نبرد و دریا، حضرت موسی ^(ع) را نبلعید. این رخدادها به ما می‌آموزد که هیچ قدرتی مستقل از اراده خدا اثرگذار نیست، پس اگر انسان دل به خدا بسپارد و در مسیر او گام بردارد، هراس‌ها رنگ می‌بازند و آرامش جای آن‌ها را می‌گیرد. مؤمن، با چنین باوری، فقط بر خدا توکل می‌کند و از هیچ چیز جز دوری از او بیم ندارد.

حکمت

دلت را خانه ما کن، مصفا کردنش با من!

علیرضا وکیلی| بیشتر ما برای آباد کردن زندگی مان برنامه داریم؛ درس می‌خوانیم، کار می‌کنیم، پس انداز می‌کنیم و به فکر آینده هستیم. اما کمتر از خودمان می‌پرسیم آخرین بار کی برای آباد کردن دلمان وقت گذاشته‌ایم. شاید به همین دلیل است که گاهی با وجود پیشرفت‌های بیرونی، احساس آرامش نمی‌کنیم.

حضرت امیرالمؤمنین ^(ع) در ادامه نامه ۳۱، خطاب به فرزندان می‌فرماید: «وَأَنْ تَعْمُرَ قَلْبَكَ بِذِكْرِ اللَّهِ وَتَقْصِفَ بِخَبْرِهِ. دلت را با یاد خدا آباد کن و به ریسمان او چنگ بز!».

تعبیر امام بسیار زیباست: نمی‌فرماید فقط خدا را یاد کن، بلکه می‌گوید قلبت را آباد کن. یعنی دل انسان مثل خانه‌ای است که اگر صاحبش به آن نرسد، کم‌کم گردوغبار تاریکی و ویرانی آن را فرامی‌گیرد.

یاد خدا، زینت دل نیست؛ آبادی دل است. این حقیقت را در زندگی روزمره نیز می‌توان دید. ممکن است کسی ساعت‌ها در شبکه‌های اجتماعی بچرخد، اخبار مختلف را دنبال کند و با ده هافتر در ارتباط باشد، اما شب که سرش را روی بالش می‌گذارد، احساس خلأ کند. دلش این نیست که اطلاعات کم دارد، او دلش آباد نشده است.

ذکر خدا هم فقط گفتن چند جمله بر زبان نیست، بلکه یاد خدا یعنی هنگام عصبانیت، حرفی‌را که می‌تواند دل کسی را بشکند، نگوییم. گاهی در یک معامله، صداقت را فدای سود بیشتر نکنیم و گاهی وسط شلوغ‌ترین روز، چند لحظه یادمان باشد که تنها نیستیم و خدا همراه ماست.

امام علی ^(ع) بعد از آباد کردن دل، از چنگ زدن به ریسمان خدا، سخن می‌گوید، یعنی به چیزی تکیه‌کن که پاره نمی‌شود. بسیاری از تکیه‌گاه‌های زندگی، از بول و موقعیت گرفته تا شهرت و روابط، ممکن است روزی از دست بروند، اما کسی که به خدا تکیه کرده است، با تغییر شرایط فرو نمی‌ریزد. قرآن کریم نیز همین حقیقت را یادآوری می‌کند: «الَّذِينَ يَتَّقُونَ اللَّهَ تَجْعَلْ لَهُمْ مَخْرَجًا» آگاه باشید که آرامش دل‌ها، تنها با یاد خداست! (رعد/۲۸)

و چه زیبا زبانیده نیشابوری گفت:

دلت را خانه ما کن، مصفا کردنش با من

به من درد دل افشاکن، مداد او کردنش با من

اگر کم کرده‌ای ای دل، کلید استجابت را

بیا یک لحظه با ما باش، پیدا کردنش با من

احکام محرم

فرهنگ عزاداری

باید مناسب شئون دینی باشد

سمانه رضوانی|یکی از مسائلی که در ایام عزاداری ذهن بسیاری از مؤمنان را به خود مشغول می‌کند، نحوه صحیح برگزاری مراسم سینه زنی و زنجیرزنی است. در میان هیئت‌های عزاداری، گاهی دیده می‌شود که برخی عزاداران برای ابراز شور و ارادت، بالانتنه خود را برهنه می‌کنند. این رفتار اگرچه در ظاهر نشانه‌ای از اشتیاق قلبی است، اما منظر فقهی نیاز به بررسی دارد. در ادامه، پاسخ مراجع معظم تقلید درباره حکم برهنه شدن هنگام سینه زنی را می‌خوانیم.

آیت‌الله العظمی شهید خامنه‌ای: شایسته است عزاداری به شیوه مرسوم و سنتی – که با لباس انجام می‌شده است – برگزار شود.

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی: برهنه‌شدن هنگام سینه‌زنی اگر در مقابل نامحرم باشد، حرام است و در غیر این صورت نیز چون سبب وهن است، بنا بر احتیاط باید ترک شود. ولی باز گذاشتن کمی از جلوی سینه برای سینه زدن یا یکی از پشت برای زنجیرزنی، مانعی ندارد.

آیت‌الله العظمی سیستانی: اشکال ندارد.

آیت‌الله العظمی بهجت: لخت شدنی که در معرض نظر حرام نامحرم باشد، جایز نیست.



شماره

شماره ۱۴
شهریار NEWS IR
۲۸ تیر ۱۴۰۵
۴ صفحه - ۲۸۱۱ شماره



مهر

چگونه می‌توان شخصیت رهبر شهید انقلاب را به الگویی زنده، دوست‌داشتنی و ملموس برای فرزندان تبدیل کرد؟

قهرمانی برای بچه‌های امروز

گفت‌وگو

حسین ابراهیمی در دنیایی که شخصیت‌های رنگارنگ غربی، قهرمانان بی‌چون و چرای کودکان و نوجوانان شده‌اند، جریان فرهنگی مادر معرفی اسوه‌های اصیل خود، کم‌فروغ ظاهر شده است. الگوسازی ما اغلب به صدور بخشنامه‌های اخلاقی شبیه است تا آفرینش یک «هیرو»ی جذاب. در مصاحبه با حجت‌الاسلام محمد ابویسانی،

استاد حوزه و دانشگاه، به این پرسش اساسی پاسخ داده‌ایم که چگونه می‌توان شخصیتی همچون رهبر شهید انقلاب، آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، را نه صرفاً در قالب توصیه‌های مستقیم، بلکه به مثابه یک الگوی دست‌یافتنی و زنده به نسل جدید معرفی کرد؛ الگویی که برای نسل جدید در بازی‌ها و اسباب‌بازی‌هایش، نشان ادامه راه باشد.

عبرت‌هایی از ماشین فرهنگ‌سازی هالیوود

غرب برای نهادینه‌سازی فرهنگ مبتنی بر لذت و منفعت، مسیر هوشمندانه‌ای را طی می‌کند. آن‌ها ابتدا یک ارزش یا آیین را تعریف و سپس یک شخصیت (هیرو) خلق می‌کنند که تجسم آن ارزش است. این قهرمان در قالب عروسک، پویانمایی و بازی عرضه می‌شود تا کودک با او همذات‌پنداری کند. کودک برای شبیه‌شدن به قهرمان، لباس، ابزار و حتی شغل او را طلب می‌کند، این درحالی است که رویکرد رایج ما معکوس است؛ ما از «باید و نباید»‌ها شروع می‌کنیم و پس از آن، ارزش‌مانی باقی ماند، تازه به فکر معرفی الگو می‌افتیم. غفلت از تولید عروسک «مختار» یا «رستم» با وجود محبوبیت کاراکترهای آن‌ها، لاقال در بین برخی اقشار و در مقابل، فراوانی محصولاتی نظیر «بن‌تن» و «انتقام جویان»، نشانه این شکست راهبردی در الگوسازی است، چیزی که در جملات رهبر شهید نیز به ضرورت آن بارها اشاره شده بود.

خلأ الگوها با کالاهای ضدفرهنگ، پر می‌شود

اگر ما آگاهانه خلأ الگویی را با مبانی فکری خود پر نکنیم، این خلأ در دهکده جهانی رسانه، با محصولات آماده و جذاب غربی پر خواهد شد. نوجوان امروز با کمترین هزینه و زمان به انبوهی از شخصیت‌های ضدفرهنگی، دسترسی دارد که به سرعت ذائقه او را شکل می‌دهند. نیاز ضروری و فوری تربیتی نسل جدید، معرفی شخصیت‌هایی است که بتوانند در این میدان رقابت نابرابر رسانه‌ای، جایگزینی جذاب و بومی باشند. ما برای پر کردن این شکاف، بیش از هر زمان دیگری به طراحی و عرضه قهرمان‌هایی نیاز داریم که برآمده از فرهنگ خودمان باشند و بتوان با آن‌ها در برابر هجوم الگوهای بیگانه ایستاد. شهدای بزرگ ما در این میان، گنج‌هایی هستند که باید برای نجات نسل جدید با ارائه‌های هنرمندانه، این گنج را استخراج کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد ابویسانی:
نکته کلیدی در طراحی محصولات رسانه‌ای مانند بازی‌های رایانه‌ای، پرهیز از نگاه خشک و شعاری است. تجربه نشان داده است که تبدیل یک شخصیت به چند جمله و یک عکس در یک بازی بی‌روح، نتیجه عکس می‌دهد

روایتی قهرمانانه از نوجوانی تا عرش

برای معرفی رهبر شهیدمان به عنوان یک قهرمان به کودکان، نیازی نیست صرفاً به وقایع نگاری تاریخی یا بیان فضایل اخلاقی خشک بپردازیم. روایت‌های جذاب از دوران نوجوانی ایشان، رابطه صمیمانه با پدر و مادر، تربیت قرآنی و ادبی و انس با شعر شاعران بزرگ توسط مادرشان و همچنین ارتباط عاطفی‌شان با کودکان شهدا و تصویر جذاب حضور پرمهرشان در جشن تکلیف دختران، خود به خود یک الگوی ناب را می‌سازد. حتی بدون هیچ توضیح اضافه‌ای، صرف توصیف این اتفاقات برای یک کودک، می‌تواند بسیار جذاب‌تر و مؤثرتر از تحلیل شخصیت باشد. فرزندان ما باید این احساس را دریافت کنند که مسیر این قهرمان، مسیری مشابه آن‌هاست و او مسیر درست را طی کرده و به عرش رسیده است.

از عکس و پیکسل تا سرود و بازی

برای جذب کودکان، باید از ابزارهای متنوع و قابل فهم آن‌ها استفاده کرد. از طراحی پیکسل و تصاویر گرافیکی با حال‌وهوای شهادت گرفته تا تولید سرودها و نمایش‌های جذاب، همه می‌توانند در معرفی این شخصیت مؤثر باشند. اما نکته کلیدی در طراحی محصولات رسانه‌ای مانند بازی‌های رایانه‌ای، پرهیز از نگاه خشک و شعاری است. تجربه نشان داده است که تبدیل یک شخصیت به چند جمله و یک عکس در یک بازی بی‌روح، نتیجه عکس می‌دهد. باید با کمک متخصصان، بازی‌ها و کارت‌های هدفمندی طراحی کرد که ضمن سرگرم‌کنندگی، بتوانند هوشمندانه، اهداف و نگاه راهبردی رهبر شهید را به طور غیرمستقیم به نوجوان منتقل کنند.

خانواده، نخستین و مهم‌ترین رسانه

تأثیرگذاری یک الگو بر فرزندان، بیش از هر چیز مدیون نگاه و رفتار والدین است. بچه‌ها مستقیم الگو نمی‌گیرند، بلکه اهمیت یک شخصیت نزد پدر و مادر است که آن را در چشم آن‌ها بزرگ می‌کند. وقتی والدین با دقت به سخنان رهبر شهید گوش می‌دهند و درباره ایشان گفت‌وگو می‌کنند، یا عکسشان را در خانه نصب می‌کنند و به آن احترام می‌گذارند، پیامی عمیق و غیرکلامی به فرزند منتقل می‌کنند. این الگوسازی رفتاری در خانه، به مراتب ماندگارتر از ده‌ها ساعت کلاس و برنامه است. ازسوی دیگر، خانواده می‌تواند در مناسبت‌ها و برنامه‌های فرهنگی، با استفاده از وصیه‌های آن شهید بزرگوار در موضوعاتی مانند احترام به والدین، یاد ایشان را در متن زندگی روزمره جاری نگه دارد.

درس سواد رسانه با فرمانده‌ای که بازی را می‌فهمد

یکی از خلافتانه‌ترین روش‌ها برای معرفی شخصیت رهبر شهید به نسل جدید، استفاده از فرمایش‌های ایشان در حوزه فضای مجازی و بازی‌های رایانه‌ای است. پخش چند دقیقه‌ای از دیدگاه‌های ایشان برای نوجوانان در حلقه‌های صالحین یا کلاس‌های درس، به شدت جذاب و اثربخش است. وقتی نوجوان بشنود که فرمانده کل قوایش نه تنها مخالف بازی نیست، بلکه نوع نگاهش به بازی و رسانه چقدر عمیق و دقیق است، احساس نزدیکی عجیبی می‌کند. این بهانه خوبی برای برپایی کلاس‌های سواد رسانه با محوریت نگاه ایشان است. به این ترتیب، هم شخصیت قهرمان را معرفی کرده‌ایم و هم او را به عنوان مرجعی فهمیده و روزآمد برای نوجوانان تثبیت می‌کنیم.

مردان مجاهد، تربیت‌یافته زنان عاشق هستند

بنابراین حضور آنان صرفاً عاطفی یا نمادین نبود، بلکه تأثیری واقعی و اثرگذار در پشتیبانی جبهه داشت.

اگر این منطق را به زمان امروز تعمیم دهیم، طبیعی است که مصادیق نیز متناسب با پیشرفت فناوری، تغییر کند. امروز ابزار دفاعی تنها شمشیر و سپر نیست؛ پهپاد، ریزپرنده، سامانه‌های الکترونیکی، تجهیزات مخابراتی و موشکی، بخشی از ابزارهای دفاعی عصر حاضر هستند. همان‌گونه که زنان صدر اسلام تعمیر تجهیزات متناسب با زمان خود را برعهده می‌گرفتند، در دنیای امروز نیز اگر بانوان در دانشگاه‌های صنعتی یا مراکز علمی و پژوهشی، دانش طراحی، ساخت یا تعمیر این تجهیزات را فرا بگیرند، درحقیقت همان نقش تاریخی را با ابزارهای جدید ایفا می‌کنند. همان‌گونه که یک پزشک، پرستار یا مهندس با دانش خود به امنیت و سلامت جامعه کمک می‌کند، متخصصان زن نیز می‌توانند در حوزه‌های علمی و فنی، بخشی از نیازهای جامعه اسلامی را برطرف سازند.



فصل دوم: زنان مجاهدین
حضور بانوان مسلمانین در جبهه

رسول خدا ^(ص) بزرگ‌ترین خدمت خود به زنان را تنها در جلوگیری از رسم زنده به‌گور کردن دختران خلاصه نکرد، بلکه زن را به جایگاه حقیقی و تمدن‌ساز او بازگرداند. اسلام به زن، حقوقی و تمایزاتی را بخشید که در آن زمان بی‌سابقه بود. نشان داد که اومی‌تواند در کنار حفظ کرامت و عفاف، در ساختن جامعه نیز سهیم باشد. در کنار این نقش‌های اجتماعی، اسلام مهم‌ترین رسالت زن را نیز فراموش نکرد «جهاد المرأة» یا «میراکرم ^(ص) فرمودند: «جهاد المرأة حُسن الثَّبَل: جهاد زن، نیکو همسر داری کردن است.» این سخن به معنای محدود کردن زن نیست، بلکه بیانگر اهمیت بنیاد خانواد است. خانواده سالم، مدرسه تربیت انسان‌های بزرگ است. اگر مادری باایمان، آگاه، صبور و آشنا به قرآن، با کمک روایات و معارف الهی فرزند و همسر خود را تربیت کند، نتیجه آن پرورش انسان‌هایی خواهد بود که در میدان‌های علم، فرهنگ، خدمت و دفاع از جامعه مسئولانه عمل می‌کنند. مردان بزرگ و مجاهد، در بسیاری از حوزه‌ها، تربیت‌یافته دامن زنانی مؤمن، آگاه و فداکار بوده‌اند، زنانی که با ایمان، معرفت و تربیت صحیح، پایه‌های یک جامعه مقتدر و الهی را استوار می‌سازند و خلاصه اینکه مردان مجاهد، تربیت‌یافته زنان عاشق هستند.

درنگ